MEJDS. 2019; 9:97.
Published online 2019 Dec. **Research Article**

Early Maladaptive Schemas, Metacognitive Beliefs, and Cognitive Emotion Regulation Strategies in Orphanage and Non-Orphanage Adolescents

*Nazarboland N[1], Amini Yeganeh P[2], Fallahzadeh H[3]

Author Address
1. PhD of Psychology, Assistant Professor of Shahid Beheshti University, Tehran, Iran
2. MA of School Counseling, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran
3. PhD of Counseling, Assistant Professor of Shahid Beheshti University, Tehran, Iran.
***Corresponding Author Email:** n_nazarboland@sbu.ac.ir

Received: 2018 November 25; **Accepted:** 2019 May 14

Abstract

Background & Objective: Orphanage children and adolescents might experience major mental issues due to lacking family-related advantages. Such problems include generating internalizing and externalizing disorders, as well as maladaptive and antisocial behaviors. Due to unsatisfied primary emotional needs, they may use maladaptive schemas, i.e., responsible for developing aggressive and antisocial behaviors in them. The early maladaptive schemas often unconsciously affect the information processing system and are activated automatically. Cognitive emotion regulation is defined as an individual's thoughts post negative events. Cognitive emotion regulation strategies are mostly dependent on an individual's metacognitive strategies; that refers to how one manages and modifies thoughts after assessing feelings and psychological status in different situations. Emotion regulation could be learned through family modeling and influenced by parenting styles during a child's development. Therefore, orphanages, who lack a regular family structure experience, may develop inappropriate behavioral expressions of emotions as a result of applying poor emotion regulation strategies. Thus, the present study aimed to compare early maladaptive schemas, metacognition, and cognitive emotion regulation strategies between the orphanage and non-orphanage adolescents. Data in this regard are scarce; therefore, the current research aimed to provide a framework for preventive and therapeutic programs while addressing the existing ambiguities.

Methods: This was a retrospective (casual/comparative) study. The study population included all adolescents (13-17-year-olds) in Tehran and Karaj Cities, Iran. The study sample included 191 adolescents, 90 of whom were selected using a convenience sampling technique from orphanage adolescents. Moreover, 101 of the study subjects were non-orphanages and selected by the multi-stage cluster sampling method. To ensure the orphanage subjects enjoyed a healthy Intellectual Quotient (IQ) range (≥90), the Raven's Progressive Matrices test was performed in them.

Additionally, non-orphanage adolescents were evaluated in terms of IQ, according to their school-provided academic scores (grade point average: ≥15.20). The study inclusion criteria included the lack of severe diseases or psychiatric disorders; for orphanage adolescents, a history of living in supporting organizations without their family since the age of ≤3 years, and non-orphanage adolescents to live with their family since birth. All study subjects completed the Young Schema Questionnaire-Short Form (YSQ-SF), Metacognition Questionnaire (MCQ), and Cognitive Emotion Regulation Questionnaire (CERQ). The obtained data were analyzed using Multivariate Analysis of Variance (MANOVA).

Results: The collected results revealed a significant difference between the orphanage and non-orphanage adolescents' early maladaptive schemas in terms of its components. These components included emotional deprivation (p=0.009), failure (p=0.004), dedication (p=0.002), emotional inhibition (p=0.032), and unrelenting standards (p=0.027). The study groups also significantly differed in metacognitive beliefs; orphanage adolescents experienced lower cognitive confidence, compared to their non-orphanage counterparts (p<0.001) in the components of metacognitive beliefs. Furthermore, there was a significant difference between the two groups in the cope/reception (p=0.012) and blaming others (p=0.003) components of cognitive emotion regulation strategies. The two study groups demonstrated no significant difference in other components of the research variables.

Conclusion: The present findings indicated that, compared to non-orphanage adolescents, orphanage ones used maladaptive schemas and experienced disrupted metacognitive beliefs, especially concerning cognitive confidence. Besides, they were weaker in applying appropriate cognitive emotion regulation strategies. Consistent with the expectations, these results highlighted the lack of family-related needs in orphanages. Additionally, their failure to exploit the family environment and parenting benefits may develop early maladaptive schemas in them, especially in components related to emotional fulfillment. This can unconsciously influence their metacognition abilities, and consequently, their failure to implement proper metacognition strategies, especially when emotional issues are considered. Such distortions in the cognitive processes of emotions may lead this group to use inappropriate cognitive emotion regulation strategies. These findings could be used to develop preventive, rehabilitative, and therapeutic plans by the experts.

Keywords: Cognitive emotion regulation strategies, Early maladaptive schemas, Metacognitive beliefs, Orphanage adolescents.

[Downloaded from jdisabilstud.org on 2026-09-09]

[DOR: 20.1001.1.23222840.1398.9.0.89.1]

Copyright © 2016, MEJDS. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License (http://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/) which permits copy and redistribute the material just in noncommercial usages, provided the original work is properly cited.

مجله مطالعات ناتوانی ۱۳۹۸؛ (۹):۹۷.

انتشار برخط آذرماه ۱۳۹۸ مقاله پژوهشی اصیل

طرحواره‌های ناسازگار اولیه و باورهای فراشناختی و راهبردهای تنظیم شناختی هیجان نوجوانان پرورشگاهی در قیاس با نوجوانان غیرپرورشگاهی

*ندا نظربلند[۱]، پروین امینی یگانه[۲]، هاجر فلاح‌زاده[۳]

توضیحات نویسندگان

۱. دکترای روان‌شناسی، استادیار دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران؛

۲. کارشناس ارشد مشاورهٔ مدرسه، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران؛

۳. دکترای مشاوره، استادیار دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.

***رایانامهٔ نویسندهٔ مسئول:** n_nazarboland@sbu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۴آذرماه۱۳۹۷؛ **تاریخ پذیرش:** ۲۴اردیبهشت۱۳۹۸

چکیده

زمینه و هدف: محرومیت کودکان و نوجوانان پرورشگاهی از مزایای زندگی در خانواده، گاهی آن‌ها را دچار مشکلات بنیادین در نظام روان‌شناختی می‌کند. پژوهش حاضر با هدف مقایسهٔ طرحواره‌های ناسازگار اولیه و باورهای فراشناختی و راهبردهای تنظیم‌شناختی هیجان در نوجوانان پرورشگاهی و غیرپرورشگاهی صورت گرفت.

روش‌بررسی: این پژوهش با روش پس‌رویدادی (علی‌ـ مقایسه‌ای) انجام شد و جامعهٔ آماری آن را تمامی نوجوانان ۱۳تا۱۷سالهٔ شهرهای تهران و کرج تشکیل دادند. گروه نمونه شامل ۱۹۱ نوجوان بود که ۹۰ نفر در پرورشگاه سکونت داشتند و ازطریق نمونه‌گیری دردسترس هدف‌مند انتخاب شده و ۱۰۱ نفر غیرپرورشگاهی، با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای وارد پژوهش شدند و به‌صورت فردی به فرم کوتاه پرسشنامهٔ طرحواره‌های ناسازگار اولیه (YSQ-SF) (هنجاریابی آهی و دیگران، ۲۰۰۷) و پرسشنامهٔ فراشناخت (MCQ-30) (هنجاریابی شیرین‌زاده دستگیری و دیگران، ۲۰۰۹) و پرسشنامهٔ تنظیم‌شناختی هیجان CERQ)) (هنجاریابی امین‌آبادی و دیگران، ۲۰۱۱) پاسخ دادند. به‌منظور تجزیه‌وتحلیل داده‌ها از تحلیل واریانس چندمتغیره استفاده شد.

یافته‌ها: از بین مؤلفه‌های طرحواره‌های ناسازگار اولیه، محرومیت هیجانی (p=۰/۰۰۹)، شکست (p=۰/۰۰۴)، ازخودگذشتگی (p=۰/۰۰۲)، بازداری هیجانی (p=۰/۰۳۲) و معیارهای سرسختانه (p=۰/۰۲۷) متفاوت بود. دو گروه به‌لحاظ باورهای فراشناختی با یکدیگر تفاوت داشتند؛ بدین‌صورت که نوجوانان پرورشگاهی دارای اطمینان شناختی کمتری درمقایسه با نوجوانان غیرپرورشگاهی بودند (p<۰/۰۰۱). تفاوت راهبردهای تنظیم‌شناختی هیجان دو گروه در مؤلفه‌های کنارآمدن/پذیرش (p=۰/۰۱۲) و سرزنش دیگران (p=۰/۰۰۳) معنادار به‌دست آمد.

نتیجه‌گیری: نوجوانان پرورشگاهی درمقایسه با همتایان غیرپرورشگاهی خود، واجد طرحواره‌های ناسازگار و باورهای فراشناختی معیوب به‌ویژه در حوزهٔ خودباوری و اطمینان شناختی هستند که ناتوانی ایشان را در اتخاذ راهبردهای تنظیم شناختی هیجان مناسب در پی داشته است. این یافته‌ها می‌تواند جهت تدوین برنامه‌های پیشگیرانه و توان‌بخشی و درمانی در اختیار متخصصان مربوط، قرار گیرد.

کلیدواژه‌ها: باورهای فراشناختی، راهبردهای تنظیم شناختی هیجان، طرحواره‌های ناسازگار اولیه، نوجوانان پرورشگاهی.

حق انتشار محفوظ است © ۱۳۹۵، مجله مطالعات ناتوانی. این یک مقاله با دسترسی آزاد است که تحت مجوز اختیار_غیرتجاری ۴/۰ بین‌المللی (https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/deed.fa) منتشر شده است که به شما اجازه می‌دهد که مواد منتشر شده در این مقاله را با شرط ارجاع مناسب به نسخهٔ اصلی، به‌طور غیرتجاری نسخه‌برداری و توزیع کنید.

[Downloaded from jdisabilstud.org on 2026-09-09]

[DOR: 20.1001.1.23222840.1398.9.0.89.1]

۱ مقدمه

زندگی در کنار خانواده، در شکل‌گیری نگرش‌ها و ارزش‌ها و باورداشت‌های فرد نقش اصلی را ایفا می‌کند؛ به‌گونه‌ای که محرومیت از این واحد مهم اجتماعی یا عملکرد نامناسب والدین و جدایی یا فوت ایشان می‌تواند منجربه سوق‌دادن نوجوانان به‌سمت اختلالات درون‌سازی و برون‌سازی شده[1] (۱) و مشارکت در رفتارهای پرخطر (۲)، افت کیفیت زندگی و ناتوانی در ابراز رفتارهای سازگارانه، مشکلات جدی در تنظیم هیجانات، ناتوانایی‌های ارتباطی، ناتوانی در پردازش صحیح اطلاعات و تحلیل شناختی را به‌دنبال دارد (۳). نوجوانانی که در خانواده‌های تک‌والدینی زندگی می‌کنند و نیز ممکن است نوجوانان بی‌سرپرست یا بدسرپرست، بیش از سایر نوجوانان به‌دلیل ارضانشدن نیازهای هیجانی اساسی، از طرحواره‌های ناسازگار زیادی استفاده کنند (۴). طرحواره‌های ناسازگار ازجمله سازه‌هایی است که فرایندهای زیربنایی در پدیدآیی رفتارهای ضداجتماعی را تبیین می‌کند. این سازه‌ها شامل الگوها یا درون‌مایه‌های عمیق و فراگیری است که از خاطرات، هیجان‌ها، شناخت‌واره‌ها و احساسات بدنی تشکیل می‌شود و طی دوران کودکی شکل گرفته و در سیر زندگی تداوم یافته است؛ همچنین دربارهٔ خویش و رابطه با دیگران بوده و به شدت ناکارآمد است. این طرحواره‌ها، خود را ازطریق تحریف‌های شناختی و الگوهای زندگی خودشکنانه و سبک‌های کنارآمدن ناسازگارانه تداوم می‌بخشد و به‌طور مستقیم و غیرمستقیم سبب پریشانی روان‌شناختی می‌شود (۵). طرحواره‌های ناسازگار اولیه[2] اغلب نفوذ خود را بر سیستم پردازش اطلاعات، در زیر آستانهٔ هوشیاری اعمال کرده و حالتی خودآیند دارد؛ این ارتباط به‌حدی است که درمانگران معتقدند در زمان فعال‌شدن طرحواره‌های ناسازگار، راهبردهای فراشناختی[3] با حالات هیجانی خود مقابله کرده و از تحریف اطلاعات محیط توسط طرحواره‌ها جلوگیری می‌کند (۶،۷).

راهبردهای فراشناختی به‌معنای آگاهی افراد از فرآیند تفکر خویش و توانایی آن‌ها برای کنترل این فرآیندهاست. فراشناخت، مفهومی چندوجهی بوده که دربردارندهٔ دانش و فرآیندها و باورهایی است که شناخت را ارزیابی و نظارت می‌کند (۸،۹). تجربه‌های فراشناختی شامل ارزیابی‌ها و احساس‌هایی می‌شود که افراد در موقعیت‌های مختلف دربارهٔ وضعیت روانی خود دارند و راهبردهای فراشناختی پاسخ‌هایی است که برای مدیریت و تغییر تفکر به‌کار گرفته می‌شود و به خودتنظیمی هیجانی و شناختی کمک می‌کند (۱۰). فراشناخت ازطریق فرآیندهایی همچون کنترل، نظارت، برنامه‌ریزی و تصحیح بر پردازش شناختی انسان اثرگذار بوده و درمقابل با شیوهٔ پردازش هیجانی فرد بر سلامت روانی یا آسیب‌پذیری درقبال آشفتگی‌های روانی نقش دارد (۸،۱۰،۱۱).

ازسوی‌دیگر، باورها و شناخت‌ها پایه‌های اصلی شکل‌گیری عواطف و احساسات و هیجانات فرد است (۱۱). برخی پژوهش‌ها نیز از تعامل باورهای فراشناختی با اختلالات هیجانی حکایت می‌کنند (۱۴ـ ۱۲)؛ لذا انتظار می‌رود افرادی که طرحواره‌های ناسازگار بیشتری دارند، درنتیجهٔ اتخاذ باورهای فراشناختی ناکارآمد، در تنظیم هیجانات خود دشواری‌هایی داشته باشند. تنظیم شناختی هیجان[4] به راهبردهایی اطلاق می‌شود که به‌منظور کاهش و افزایش یا نگهداری تجارب هیجانی مورد استفاده قرار می‌گیرد و در رویدادهای تهدیدآمیز و پرتنش ازطریق کمک به افراد برای مدیریت و تنظیم و کنترل هیجان‌ها ضروری است (۱۵).

کودکان از راه الگوسازی، تنظیم هیجانی را از خانوادهٔ خود فرا می‌گیرند و شیوهٔ والدگری والدین چگونگی این توان‌مندی را تحت‌تأثیر قرار می‌دهد (۱۶). پژوهش‌ها نشان داده‌اند که جو عاطفی خانواده و ابرازگری والدین و ویژگی‌های شخصیتی آن‌ها بر توان‌مندی تنظیم شناختی هیجان در فرزندان مؤثر است. به‌علاوه، عوامل خانوادگی می‌توانند میانجی رابطه بین مشکلات هیجانی و راهبردهای تنظیم شناختی هیجان باشد (۱۶،۱۷)؛ ازاین‌رو می‌توان انتظار داشت که کودکان ونوجوانان ساکن در مراکز نگهداری شبانه‌روزی که تجربهٔ ساختار خانوادگی طبیعی را ندارند یا تجربیات خانوادگی نامناسبی داشتند، در ساختار طرحواره‌ها و باورهای فراشناختی و راهبردهای تنظیم شناختی هیجان درمقایسه باکودکان ونوجوانان عادی که در محیط پویای خانواده رشد و پرورش یافته، متفاوت باشند. هرچند مطالعات صورت‌گرفته در حوزهٔ مشکلات روان‌شناختی این دسته از کودکان ونوجوان بسیار محدود می‌باشد، یافته‌های پژوهشی حاکی‌از شیوع فراوان مشکلات هیجانی و اجتماعی در میان کودکان پرورشگاهی ساکن مؤسسات یا به فرزندخواندگی پذیرفته شده است (۱۸)؛ این نتیجه ممکن است ناشی‌از فقدان والدین (۱۹) و ضربهٔ جدایی (۲۰) یا کمبود اعتماد و امنیت در اوایل کودکی و احساس محرومیت هیجانی باشد (۲۱). در غیاب مطالعات کافی در این حوزه، پژوهش حاضر به مقایسهٔ طرحواره‌های ناسازگار اولیه و باورهای فراشناختی و راهبردهای تنظیم شناختی هیجان در نوجوانان پرورشگاهی و غیرپرورشگاهی پرداخت. مطالعاتی از این دست باتوجه به بنیادهای شناختی و هیجانی نوجوانان پرورشگاهی، زمینه‌ای فراهم خواهد کرد که به نیازهای اساسی این افراد ازجمله بهبود طرحواره‌های ناسازگار و باورهای فراشناخت منفی و راهبردهای ناسازگارانهٔ تنظیم هیجان آنان توجه شود و یافته‌های آن‌ها می‌تواند ضمن رفع ابهامات موجود، راهگشای تدوین برنامه‌های پیشگیرانه و درمانی و توان‌بخشی باشد.

۲ روش بررسی

این پژوهش از نوع مطالعات نیمه‌آزمایشی بود که در آن از طرح پژوهشی پیش‌آزمون- پس‌آزمون با گروه گواه استفاده شد. جامعهٔ آماری این پژوهش را تمامی افراد بیمار زن ۳۰ تا ۶۵ ساله مبتلا به سرطان پستان استان بوشهر در سال ۱۳۹۷ تشکیل دادند. نمونهٔ آماری پژوهش حاضر ۳۰ بیمار زن مبتلا به سرطان پستان بودند که به روش نمونه‌گیری دردسترس از بیمارستان شهدای خلیج فارس بوشهر

[1] Internalization and Externalization disorder
[2] Early maladaptive schemas
[3] Metacognitive strategies
[4] Cognitive emotion regulation

[Downloaded from jdisabilstud.org on 2026-09-09]
[DOR: 20.1001.1.23222840.1398.9.0.89.1]

روش پژوهش حاضر از نوع پس‌رویدادی (علی‌ـ مقایسه‌ای) بود. جامعهٔ گروه نوجوانان پرورشگاهی را تمامی نوجوانانی تشکیل دادند که در سال تحصیلی ۹۶ـ۱۳۹۵ در مقاطع هفتم و هشتم و نهم تحصیل کرده و از کودکی (حداکثر سه‌سالگی) در مراکز شبانه‌روزی شهرهای تهران و کرج زندگی کردند. جامعهٔ نوجوانان غیرپروشگاهی نیز شامل تمامی نوجوانان شهر کرج بود که در همین مقاطع به تحصیل مشغول بودند و از بدو تولد نزد هر دو والد خود زندگی کردند. نمونه‌گیری نوجوانان پرورشگاهی به‌صورت دردسترس هدف‌مند صورت پذیرفت؛ به این ترتیب که ۵۰ نفر از نوجوانان ساکن در پرورشگاه شهر کرج و ۴۰ نفر از نوجوانان ساکن در پرورشگاه‌های شهر تهران (درمجموع ۹۰ نفر، ۵۰ دختر و ۴۰ پسر) انتخاب شدند. نمونه‌گیری نوجوانان غیرپرور شگاهی به شکل خو شه‌ای چندمرحله‌ای، با مراجعه به مدارس انجام شد و درنهایت، ۱۰۱ نفر (۵۰ دختر و ۵۱ پسر) به پرسشنامه‌های پژوهش پاسخ گفتند. ملاک‌های ورود به مطالعه برای هر دو گروه براساس فقدان هرگونه بیماری خاص جسمی و اختلال مشخص روان‌پزشکی معین شد؛ به‌علاوه، در گروه نوجوانان پرورشگاهی قرارداشتن در محدودهٔ هوشی بهنجار (هوشبهر ۹۰ و بیشتر براساس آزمون هوشی ریون) و سپرده‌شدن به مؤسسات شبانه‌روزی حداکثر از سن سه‌سالگی و نیز برای نوجوانان غیرپرورشگاهی سابقهٔ زندگی همراه با والدین از بدو تولد و کسب معدل ۱۵ و بیشتر در آزمون‌های پیشرفت تحصیلی (جهت اطمینان‌بخشی از قرارداشتن آن‌ها در محدودهٔ هوشی بهنجار) به‌عنوان ملاک‌های ورود لحاظ گردید. در راستای رعایت اصول کمیتهٔ اخلاق، همهٔ آزمودنی‌ها با هدف پژوهش آشنا شدند و ضمن اطمینان‌بخشی از حفظ محرمانهٔ اطلاعات نزد محققان، با اعلام رضایت در پژوهش شرکت کردند.

از ابزارهای زیر در این پژوهش استفاده شد.

ـ ماتریس‌های پیشروندهٔ ریون بزرگسالان: این آزمون سنجش هوش که در سال ۱۹۳۸ توسط پن‌روز و ریون (به‌نقل از ۲۲) ساخته شد، ۶۰ پرسش تصویری دارد و از پنج سری دوازده‌تایی (AtoE) تشکیل شده است که برای اندازه‌گیری عامل عمومی هوش اسپیرمن به‌کار می‌رود. بارکه (۱۹۷۲؛ به‌نقل از ۲۲)، ضرایب ثبات درونی آزمون را با ۵۰۰ آزمودنی بزرگسال در سنین مختلف در آمریکا بین ۸۹درصد تا ۹۷درصد گزارش کرد. هنجاریابی ایرانی این آزمون بر نوجوانان ۱۲ تا۱۸ سالهٔ شهر تهران توسط چاپاری ۱۳۷۴؛ به‌نقل از (۲۳)، انجام شد و ضرایب پایایی آن برای گروه‌های سنی مذکور به‌ترتیب ۰/۹۱، ۰/۹۲، ۰/۹۰، ۰/۸۸، ۰/۸۹ و ۰/۸۸ به‌دست آمد.

ـ نسخهٔ کوتاه پرسشنامهٔ طرحوارهٔ یانگ[1] (YSQ-SF): این پرسشنامه توسط یانگ و براون (۱۹۹۴؛ به‌نقل از ۲۴) طراحی شد. ۷۵ سؤال دارد و به پنج حوزهٔ (بریدگی و طرد، خودگردانی و عملکرد مختل، محدودیت‌های مختل، هدایت‌شدن توسط دیگران، هوشیاری افراطی و بازداری) طبقه‌بندی می‌شود. پانزده طرحوارهٔ ناسازگار اولیه در این پرسشنامه سنجیده شده و نمره‌گذاری آن در چارچوب مقیاس لیکرت شش‌نقطه‌ای (کاملاً موافقم تا کاملاً مخالفم) صورت می‌پذیرد که نمرات زیاد نشان‌دهندهٔ حضور پررنگ‌تر طرحوارهٔ ناکارآمد است (۲۴). اولین پژوهش جامع را دربارهٔ ویژگی‌های روان‌سنجی این طرحواره‌ها جونز و اسمیت (۱۹۹۵؛ به‌نقل از ۲۵) انجام دادند و ضریب آلفای کرونباخ در جمعیت غیربالینی برای خرده‌مقیاس‌های این پرسشنامه بین ۶۵درصد تا ۸۲درصد به‌دست آمد. این پرسشنامه در ایران توسط آهی و دیگران (۲۴) ترجمه و اجرا شده و همسانی درونی آن برحسب آلفای کرونباخ در گروه مؤنث ۹۷درصد و در گروه مذکر ۹۸درصد گزارش شده است.

ـ فرم کوتاه پرسشنامهٔ فراشناخت[2] (MCQ-30): این پرسشنامه با ویژگی‌های روان‌سنجی مشابه فرم بلند اولیه، در سال ۲۰۰۳ توسط ولز و کارترایت‌ـ هاتون (۲۶) ساخته شد. پرسشنامه ۳۰ سؤالی بوده و ابعاد فراشناختی را در پنج خرده‌مقیاس باورهای مثبت دربارهٔ نگرانی، باورهای منفی در ارتباط با نگرانی، اطمینان شناختی، باورهای منفی دربارهٔ افکاری مانند تنبیه، خرافات و خودآگاهی شناختی بررسی می‌کند. نمرهٔ کل برای فراشناخت با مجموع نمرات زیرمقیاس‌ها به‌دست می‌آید و نمرات آن در دامنهٔ ۳۰ تا۱۲۰ قرار می‌گیرد. تحلیل عاملی نشان می‌دهد که فرم کوتاه پرسشنامه ساختار عاملی فرم بلند را حفظ کرده است. ضریب آلفای کرونباخ خرده‌مقیاس‌های آن از ۷۲درصد تا ۹۳درصد گسترده است (۲۶). ویژگی‌های روان‌سنجی این مقیاس در نمونهٔ ایرانی نیز توسط شیرین‌زاده دستگیری و دیگران (۲۷) تحت بررسی قرار گرفت که ضریب همسانی درونی را با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ برای کل مقیاس ۰/۹۱، برای خرده‌مقیاس‌ها در دامنهٔ ۰/۷۱ تا۰/۸۷، پایایی بازآزمایی این پرسشنامه را در فاصلهٔ چهار هفته برای کل مقیاس ۰/۷۳ و برای خرده‌مقیاس‌ها در دامنهٔ ۰/۵۹ تا۰/۸۳ گزارش کردند. در کل، نتایج حکایت از این داشت که مقیاس در جامعهٔ ایرانی خصوصیات روان‌سنجی مطلوبی دارد (۲۷).

ـ پرسشنامهٔ تنظیم شناختی هیجان[3] (CERQ): در سال ۱۹۹۹ توسط گارنفسکی و همکاران طراحی شد و در سال ۲۰۰۱ به چاپ رسید (۲۸). نسخهٔ اصلی این پرسشنامه ۳۶ ماده دارد که در قالب مقیاس لیکرتی پنج‌نقطه‌ای (از همیشه تا هرگز)، براساس سازه‌های نظری و عملی طرح‌ریزی شده است. این پرسشنامه توسط امین‌آبادی و دیگران (۲۹) مورد تحلیل عاملی واقع شد و به ۲۶ سؤال کاهش یافت که تنظیم هیجان‌شناختی را در چهار عامل سرزنش خود و فاجعه‌آمیزپنداری، کنارآمدن/پذیرش، مثبت‌اندیشی و سرزنش دیگران، تحت سنجش قرار می‌دهد. بنابر یافته‌های این پژوهشگران، پرسشنامهٔ ۲۶ سؤالی تنظیم هیجان‌شناختی با ضریب آلفای ۷۵درصد از اعتبار کافی برخوردار است. در این پژوهش از فرم شش‌سؤالی پرسشنامه استفاده شد.

[1] Young Schema Questionnaire-Short Form

[2] Meta-cognitive Questionnaire

[3] Cognitive Emotion Regulation Questionnaire

[Downloaded from jdisabilstud.org on 2026-09-09]

[DOR: 20.1001.1.23222840.1398.9.0.89.1]

۳ یافته‌ها

یافته‌های توصیفی نشان داد که در گروه نوجوانان پرورشگاهی ۵۵/۶درصد دختر و ۴۴/۴درصد پسر و در گروه نوجوانان غیرپرورشگاهی ۴۹/۵ درصد دختر و ۵۰/۵درصد پسر هستند. میانگین سنی گروه نوجوانان پرورشگاهی ۱۴/۵۴ سال و گروه نوجوانان غیرپرورشگاهی ۱۴/۶۰ سال بود. جهت مقایسهٔ هم‌زمان میانگین‌ها از آزمون تحلیل واریانس چندمتغیری استفاده شد. برای این کار ابتدا پیش‌فرض‌های آزمون تحلیل واریانس چندمتغیره بررسی گردید. جهت ارزیابی نرمال‌بودن توزیع نمرات، آزمون شاپیرو ویلک به‌کار رفت. نتیجهٔ آن برای طرحواره‌های ناسازگار اولیه (f=۵/۱۵۹ و $p<$۰/۰۰۱) و برای باورهای فراشناختی (f=۵/۸۳۰ و $p<$۰/۰۰۱) و برای راهبردهای تنظیم شناختی هیجان (f=۴/۵۵۳ و $p<$۰/۰۰۱) بود که نشان‌دهندهٔ برقراری شرط برابری واریانس‌های درون‌گروهی و نیز توزیع نرمال داده‌ها است. به‌منظور بررسی شرایط برقراری تساوی واریانس‌های دو گروه از آزمون آماری F لوین استفاده شد و نتایج مشخص کرد که مفروضهٔ همگنی واریانس داده‌ها نیز برقرار است.

جدول ۱. شاخص‌های توصیفی مؤلفه‌های طرحواره‌های ناسازگار اولیه در نوجوانان پرورشگاهی و غیرپرورشگاهی و خلاصهٔ نتایج تحلیل واریانس چندمتغیره در هر دو گروه

مؤلفه / متغیر	پرورشگاهی		غیرپرورشگاهی		مقدار F	مقدار p
	میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار		
محرومیت هیجانی	۱۶/۴۸۴	۰/۷۰۹	۱۳/۹۰۰	۰/۶۷۷	۶/۹۴۴	۰/۰۰۹
رهاشدگی	۱۵/۹۶۷	۰/۷۴۶	۱۶/۰۴۰	۰/۷۱۱	۰/۰۰۵	۰/۹۴۴
بی‌اعتمادی	۱۴/۷۸۰	۰/۶۱۶	۱۵/۲۱۰	۰/۵۸۸	۰/۲۵۵	۰/۶۱۴
بیگانگی اجتماعی	۱۴/۲۶۴	۰/۶۸۵	۱۳/۳۵۰	۰/۶۵۳	۰/۹۳۲	۰/۳۳۶
شکست	۱۲/۷۵۸	۰/۶۲۳	۱۰/۲۲۰	۰/۵۹۵	۸/۶۸۰	۰/۰۰۴
وابستگی	۱۱/۶۲۶	۰/۵۴۹	۱۱/۰۴۰	۰/۵۲۴	۰/۵۹۸	۰/۴۴۰
آسیب‌پذیری درقبال ضرر	۱۰/۵۳۸	۰/۶۰۸	۱۱/۱۸۰	۰/۵۸۰	۰/۵۸۳	۰/۴۴۶
خودتحول‌نیافته	۱۲/۸۷۹	۰/۶۱۲	۱۴/۰۲۰	۰/۵۸۳	۱/۸۲۲	۰/۱۷۹
اطاعت	۱۲/۹۶۷	۰/۶۳۳	۱۲/۶۵۰	۰/۶۰۴	۰/۱۳۱	۰/۷۱۷
ازخودگذشتگی	۱۷/۷۵۸	۰/۵۶۲	۱۵/۳۱۰	۰/۵۳۶	۹/۹۵۱	۰/۰۰۲
بازداری هیجانی	۱۶/۸۳۵	۰/۸۱۶	۱۴/۴۰۰	۰/۷۷۸	۴/۶۶۷	۰/۰۳۲
معیارهای سرسختانه	۱۷/۲۰۹	۰/۶۵۸	۱۹/۲۳۰	۰/۶۲۸	۴/۹۳۷	۰/۰۲۷
استحقاق	۱۶/۸۵۷	۰/۶۵۸	۱۷/۳۴۰	۰/۶۲۶	۰/۲۸۳	۰/۵۹۵
خودانضباطی ناکافی	۱۴/۸۶۸	۰/۶۸۸	۱۴/۵۲۰	۰/۶۵۶	۰/۱۳۴	۰/۷۱۵
کل	۲۱۹/۸۴۶	۶/۵۰۹	۲۱۲/۶۶۰	۶/۲۰۹	۰/۶۳۸	۰/۴۲۵

شاخص‌های توصیفی و خلاصهٔ نتایج تحلیل واریانس چندمتغیرهٔ افراد دو گروه در متغیرهای طرحواره‌های ناسازگار اولیه و باورهای فراشناختی و راهبردهای تنظیم شناختی هیجان، به‌ترتیب در جدول‌های ۱ و ۲ و ۳ آورده شده است.

جدول ۲. شاخص‌های توصیفی مؤلفه‌های باورهای فراشناختی در نوجوانان پرورشگاهی و غیرپرورشگاهی و خلاصهٔ نتایج تحلیل واریانس چندمتغیره در هر دو گروه

مؤلفه / متغیر	پرورشگاهی		غیرپرورشگاهی		مقدارF	مقدار p
	میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار		
باورهای نگرانی مثبت	۱۲/۷۲۲	۰/۴۷۱	۱۲/۱۰۹	۰/۴۴۵	۰/۸۹۶	۰/۳۴۵
باورهای نگرانی منفی	۱۳/۴۵۶	۰/۵۷۵	۱۳/۹۳۱	۰/۵۴۲	۰/۳۶۲	۰/۵۴۸
اطمینان‌شناختی	۱۳/۹۶۷	۰/۵۰۹	۱۱/۱۳۹	۰/۴۸۰	۱۶/۳۵۴	<۰/۰۰۱
باورهای منفی دربارهٔ افکار	۱۴/۷۰۰	۰/۵۱۶	۱۴/۰۴۰	۰/۴۸۷	۰/۸۶۷	۰/۳۵۳
خودآگاهی‌شناختی	۱۸/۴۷۸	۰/۴۹۴	۱۹/۴۹۵	۰/۴۶۷	۲/۲۴۰	۰/۱۳۶
کل	۷۳/۳۲۲	۱/۹۳۳	۷۰/۷۱۳	۱/۸۲۵	۰/۹۶۳	۰/۳۲۸

[Downloaded from jdisabilstud.org on 2026-09-09]

[DOR: 20.1001.1.23222840.1398.9.0.89.1]

جدول ۳. شاخص‌های توصیفی مؤلفه‌های راهبردهای تنظیم‌شناختی هیجان در نوجوانان پرورشگاهی و غیرپرورشگاهی و خلاصهٔ نتایج تحلیل واریانس چندمتغیره در هر دو گروه

مؤلفه / متغیر	پرورشگاهی		غیرپرورشگاهی		مقدار F	مقدار p
	میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار		
سرزنش خود و فاجعه‌آمیزپنداری	۳۷/۳۱۹	۰/۹۱۸	۳۸/۷۷۰	۰/۸۷۵	۱/۳۰۹	۰/۲۵۴
کنارآمدن/پذیرش	۲۱/۰۹۹	۰/۵۶۰	۲۳/۰۷۰	۰/۵۳۴	۶/۴۸۵	۰/۰۱۲
مثبت‌اندیشی	۱۷/۷۶۹	۰/۵۷۱	۱۷/۵۶۰	۰/۵۴۵	۰/۰۷۰	۰/۷۹۱
سرزنش دیگران	۶/۷۶۹	۰/۳۱۶	۸/۰۸۰	۰/۳۰۱	۹/۰۰۸	۰/۰۰۳
کل	۸۲/۹۵۶	۱/۶۷۴	۸۷/۴۸۰	۱/۵۹۷	۳/۸۲۲	۰/۰۵۲

باتوجه به نتایج ارائه‌شده در جدول ۱ می‌توان نتیجه گرفت که بین نوجوانان پرورشگاهی و غیرپرورشگاهی در طرحواره‌های ناسازگار اولیه در مؤلفه‌های محرومیت هیجانی (p=۰/۰۰۹)، شکست (p=۰/۰۰۴)، ازخودگذشتگی (p=۰/۰۰۲)، بازداری هیجانی (p=۰/۰۳۲) و معیارهای سرسختانه (p=۰/۰۲۷) تفاوت وجود دارد. مقایسهٔ میانگین گروه‌ها در جدول ۱ نشان می‌دهد که میانگین نمرات نوجوانان پرورشگاهی درمقایسه با نوجوانان غیرپرورشگاهی در مؤلفه‌های محرومیت هیجانی، شکست، ازخودگذشتگی و بازداری هیجانی بیشتر و در مؤلفهٔ معیارهای سرسختانه کمتر است. در سایر مؤلفه‌ها بین دو گروه تفاوت معناداری دیده نمی‌شود. همچنین بین نوجوانان پرورشگاهی و غیرپرورشگاهی مؤلفهٔ اطمینان شناختی از باورهای فراشناختی تفاوت معناداری دارد (p<۰/۰۰۱). براساس یافته‌های جدول ۲، میانگین نمرات نوجوانان پرورشگاهی درمقایسه با نوجوانان غیرپرورشگاهی در مؤلفهٔ اطمینان شناختی بیشتر است. در سایر مؤلفه‌ها بین دو گروه تفاوت معناداری مشاهده نمی‌شود. به‌علاوه، بین نوجوانان پرورشگاهی و غیرپرورشگاهی در راهبردهای تنظیم شناختی هیجان در مؤلفه‌های کنارآمدن/پذیرش (p=۰/۰۱۲) و سرزنش دیگران (p=۰/۰۰۳) تفاوت معنادار وجود دارد. مقایسهٔ میانگین گروه‌ها نشان داد که میانگین نمرات نوجوانان پرورشگاهی درمقایسه با نوجوانان غیرپرورشگاهی در مؤلفه‌های کنارآمدن/پذیرش و سرزنش دیگران کمتر است. در سایر مؤلفه‌ها بین دو گروه تفاوت معناداری ملاحظه نمی‌شود.

۴ بحث

مطالعهٔ حاضر با هدف بررسی مقایسهٔ طرحواره‌های ناسازگار و باورهای فراشناختی با راهبردهای تنظیم هیجان در نوجوانان پرورشگاهی و غیرپرورشگاهی انجام شد. نتایج نشان داد که در حوزهٔ طرحواره‌های ناسازگار اولیه، نمرات طرحواره‌های محرومیت هیجانی، شکست، ازخودگذشتگی و بازداری هیجانی در نوجوانان پرورشگاهی درمقایسه با نوجوانان غیرپرورشگاهی بیشتر و در طرحوارهٔ معیارهای سرسختانه کمتر است. در سایر مؤلفه‌ها بین دو گروه تفاوتی مشاهده نمی‌شود.

همسو با نتایج ابراهیم و دیگران (۲۱)، این نتیجه ممکن است مربوط به فقدان والدین، ضربهٔ جدایی یا کمبود اعتماد و امنیت در اوایل کودکی، اثر جابه‌جایی و زندگی‌کردن در پرورشگاه و احساس محرومیت هیجانی باشد. یکی از ریشه‌های تحولی طرحواره‌های ناسازگار اولیه، ارضانشدن نیازهای هیجانی اساسی است (۵). به‌اعتقاد یانگ (۵) طرحواره‌های ناسازگار اولیه، اغلب به‌دلیل ارضانشدن پنج نیاز تحولی دوران کودکی شامل دل‌بستگی ایمن به دیگران، خودمختاری و کفایت و حس هویت، آزادی در بیان نیازها و هیجان‌های منطقی و سالم، خودانگیختگی و تفریح، محدودیت‌های واقع‌بینانه و خویشتنداری به‌وجود می‌آید. در نوجوانان پرورشگاهی مخصوصاً نیاز دل‌بستگی ایمن به دیگران باتوجه به محیط و شرایط مؤسسه‌ها، جابه‌جایی مکرر، تغییر کارکنان شبانه‌روزی‌ها یا تغییر سیاست‌های مرکز نگهداری ارضا نمی‌شود (۲۱). به‌علاوه، پژوهش‌ها مؤید آن است که بین طرحواره‌های ناسازگار اولیه با تحت بی‌توجهی و غفلت قرارگرفتن و بدرفتاری در دوران کودکی رابطهٔ معناداری وجود دارد (۳۰)؛ درنتیجه زندگی در پرورشگاه‌ها و وضعیت مؤسسه‌ای و محرومیت از والدین یا قرارگرفتن درمعرض شیوه‌های نادرست فرزندپروری (کودکان‌ونوجوانان بدسرپرست) توانسته است رشد طرحواره‌های ناسازگار را در این نوجوانان تسریع کند.

در حوزهٔ باورهای فراشناختی، نتایج کلی پژوهش حاکی‌از ضعف باورهای فراشناختی در نوجوانان پرورشگاهی بود. از دیدگاه جزئی‌تر، در زیرمقیاس باورهای مثبت دربارهٔ نگرانی و باورهای فراشناختی منفی در ارتباط با نگرانی و خودآگاهی شناختی دو گروه تفاوتی نداشتند؛ ولی در زیرمقیاس اطمینان شناختی کم، نوجوانان پرورشگاهی نمرات بیشتری کسب کردند؛ به این معنا که دارای اطمینان شناختی کمتری درمقایسه با نوجوانان غیرپرورشگاهی بودند. ازآنجاکه ضعف در اطمینان شناختی ریشه در کمبود عزت‌نفس و اعتمادبه‌نفس کلی دارد و خود با مشکلات فرزندپروری و شیوه‌های دل‌بستگی در ارتباط است (۳۱)، شاید بتوان وجود چنین خصایصی را در نوجوانان پرورشگاهی ناشی‌از مشکلات اعتمادبه‌نفس و معضل‌های دل‌بستگی و شیوه‌های نادرست تربیتی در آن‌ها دانست؛ زیرا این نوجوانان طیف وسیعی از آسیب‌شناسی روانی را تجربه می‌کنند که احساس بی‌کفایتی، فقدان عزت‌نفس، ترس و انزوا، خشونت خصمانه، نگرش منفی به زندگی و روابط صمیمی، کناره‌گیری، ازدست‌دادن حافظه و سردرگمی شناختی از آن جمله است (۳۲). در تأیید این فرض، پژوهش‌ها نشان داده‌اند که بین اختلالات برونی‌سازی با اطمینان شناختی رابطه وجود دارد (۳۳). یافته‌های مایرز و ولز (۳۲) نیز بیانگر تأثیرپذیری همهٔ مؤلفه‌های فراشناخت

[Downloaded from jdisabilstud.org on 2026-09-09]

[DOR: 20.1001.1.23222840.1398.9.0.89.1]

(ازجمله اطمینان‌شناختی) از عاطفهٔ منفی و سوءاستفادهٔ شناختی است که وجودشان در نوجوانان پرورشگاهی دور از انتظار نیست. در مقایسهٔ نمرات تنظیم شناختی هیجانی نوجوانان پرورشگاهی و غیرپرورشگاهی، نتایج این پژوهش حاکی‌از متفاوت‌بودن راهبردهای تنظیم شناختی هیجان در این دو گروه بود؛ نتایج تحلیل داده ها مشخص کرد که نمرات تنظیم هیجان در نوجوانان پرورشگاهی، به‌طور کلی کمتر از نوجوانان غیرپرورشگاهی است. همچنین نتایج تحلیل واریانس چندمتغیری نشان داد که در مؤلفه‌های کنارآمدن و پذیرش و سرزنش دیگران عملکرد نوجوانان پرورشگاهی بدتر از نوجوانان غیرپرورشگاهی است. این یافته با مطالعهٔ کور و رانی (۳۴) همسوست که عنوان کردند کودکان پرورشگاهی مشکلاتی در مدیریت خشم و تنظیم هیجان دارند و نیز اختلالات هیجانی در نوجوانان پرورشگاهی دارای شیوع بیشتری است. کودکان‌ونوجوانان پرورشگاهی، خشم بیشتری را تجربه می‌کنند و فقدان الگوهای مناسب فرونشانی هیجانات منفی و به‌جای آن دریافت الگوهای پرخاشگری از محیط، به شیوع بیشتر رفتارهای پرخاشگرانه و ضعف در راهکارهای تنظیم هیجان در این افراد منتهی می‌شود (۳۵). چنانچه به یافته‌های قبلی همین مطالعه نیز استناد گردد، وجود طرحواره‌های ناسازگاری چون محرومیت هیجانی، شکست، ازخودگذشتگی و بازداری هیجانی در این نوجوانان، آن‌ها را بیشتر از سایرین درمعرض مشکلات هیجانی قرار می‌دهد و وقتی این طرحواره‌های ناسازگار درکنار باور فراشناختی معیوبی چون اطمینان شناختی ضعیف قرار می‌گیرد، ناگزیر اتخاذ راهبردهای تنظیم هیجانی ناسازگاری را موجب می‌شود. به‌منظور غنی‌سازی هرچه بیشتر نتایج، پیشنهاد می‌گردد در پژوهش‌های آتی، مطالعاتی با هدف مقایسهٔ نمرات نوجوانان پرورشگاهی و غیرپرورشگاهی ایران با استانداردهای جهانی صورت پذیرد تا براساس آن بتوان اولاً مشخص کرد که آیا تفاوت ملاحظه شده در بین نوجوانان پرورشگاهی و غیرپرورشگاهی ایرانی با وضعیت جهانی آن همسویی دارد و ثانیاً در سایهٔ این مقایسه، جایگاه فرزندپروری والدین ایرانی را در تحول طرحواره‌ها و فرایندهای شناختی/هیجانی فرزندان مشخص کرد. ازآنجاکه در این مطالعه امکان کنترل سابقهٔ زندگی نوجوانان پرورشگاهی (برای مثال دلایل مؤسسه‌سپاری نظیر بی‌سرپرستی، بدسرپرستی، معلولیت‌های جسمی و...) وجود نداشت، پیشنهاد می شود در تعمیم نتایج به‌دست‌آمده، ملاحظات لازم در نظر گرفته شود.

۵ نتیجه‌گیری

کودکان ونوجوانان پرورشگاهی از حضور تربیتی، روان‌شناختی، حمایت مؤثر والدین و نیز از مزایایی زندگی در خانواده محروم هستند. چنین به‌نظر می‌رسد که محرومیت از محیط طبیعی خانوادگی باعث شکل‌گیری طرحواره‌های ناسازگاری همچون محرومیت هیجانی، شکست، ازخودگذشتگی و بازداری هیجانی در این نوجوانان شده که پیوسته پردازش اطلاعات شناختی ایشان را دچار تحریف می‌کند و بر تعاملات و هیجانات آن‌ها تأثیر می‌گذارد؛ به‌گونه‌ای که با اتخاذ باورهای فراشناختی غیرمنطقی با تعبیر و تفسیر نادرست از موقعیت‌های روزمره و سرزنش خود و دیگران، هیجانات منفی و متعارض بیشتری را تجربه می‌کنند و درنتیجه از اتخاذ راهبردهای مؤثر تنظیم شناختی هیجان ناتوان هستند؛ بنابراین، با استناد به نتایج حاصل از پژوهش حاضر، پیشنهاد می‌شود مؤسسات نگهداری کودکان بی‌سرپرست و بدسرپرست با اتخاذ رویکردی پیشگیرانه، در زمینهٔ اصلاح طرحواره‌های ناسازگار ساکنان و نیز آموزش‌های متناسب جهت کنترل و تنظیم هیجانات منفی در ایشان، اهتمام بیشتری ورزند.

References

1. Camp NH. The influence of parental involvement in single-father, single-mother and heterosexual married two-parent family systems on adolescent internalizing and externalizing behaviors. [Ph.D. dissertation]. [Boston, US]: Bouvé College of Health Sciences, Northeastern Univ; 2012, pp: 23–28.
2. Falana B, Bada F, Ayodele C. Single-parent family structure, psychological, social and cognitive development of children in Ekiti state. Journal of Educational and Developmental Psychology. 2012;2(2):158. doi: 10.5539/jedp.v2n2p158
3. Shulga TI, Savchenko DD, Filinkova EB. Psychological characteristics of adolescents orphans with different experience of living in a family. International Journal of Environmental and Science Education. 2016;11(17):10493–504.
4. Khodabakhshi Koolaei A, Baseri Salehi N, Roshan R, Falsafinejad MR. The compare maladaptive cognitive schemas and irrational beliefs and communicational skills between orphan adolescences and non-orphan adolescences. Iranian Journal of Psychiatric Nursing. 2014;2(1):1–12. [Persian] http://ijpn.ir/article-1-282-fa.pdf
5. Young JE, Klosko JS, Weishaar ME. Schema Therapy: A Practitioner's Guide. Guilford Press; 2003.
6. Yalçin SB, Kavakli M, Kesïcï Ş, Ak M. University students' early maladaptive schemas' prediction of their mindfulness levels. Journal of Education and Practice. 2017;8(20):174–181.
7. Martin KP, M. Blair S, Clark GI, Rock AJ, Hunter KR. Trait mindfulness moderates the relationship between early maladaptive schemas and depressive symptoms. Mindfulness. 2018;9(1):140–50. doi: 10.1007/s12671-017-0753-7

[Downloaded from jdisabilstud.org on 2026-09-09]

[DOR: 20.1001.1.23222840.1398.9.0.89.1]

8. Hoffart A, Johnson SU, Nordahl HM, Wells A. Mechanisms of change in metacognitive and cognitive behavioral therapy for treatment-resistant anxiety: The role of metacognitive beliefs and coping strategies. Journal of Experimental Psychopathology. 2018;9(3). doi: 10.1177/2043808718787414
9. Martinez ME. What Is Metacognition? Phi Delta Kappan. 2006;87(9):696–9. doi: 10.1177/003172170608700916
10. Rochat L, Manolov R, Billieux J. Efficacy of metacognitive therapy in improving mental health: A meta-analysis of single-case studies. J Clin Psychol. 2018;74(6):896–915. doi: 10.1002/jclp.22567
11. Rothermund K, Koole SL. Three decades of Cognition & Emotion: A brief review of past highlights and future prospects. Cogn Emot. 2018;32(1):1–12. doi: 10.1080/02699931.2018.1418197
12. Nordahl H, Nordahl HM, Vogel PA, Wells A. Explaining depression symptoms in patients with social anxiety disorder: Do maladaptive metacognitive beliefs play a role? Clin Psychol Psychother. 2018;25(3):457–64. doi: 10.1002/cpp.2181
13. Østefjells T, Lystad JU, Berg AO, Hagen R, Loewy R, Sandvik L, et al. Metacognitive beliefs mediate the effect of emotional abuse on depressive and psychotic symptoms in severe mental disorders. Psychol Med. 2017;47(13):2323–33. doi: 10.1017/S0033291717000848
14. Sellers R, Gawęda Ł, Wells A, Morrison AP. The role of unhelpful metacognitive beliefs in psychosis: Relationships with positive symptoms and negative affect. Psychiatry Res. 2016;246:401–6. doi: 10.1016/j.psychres.2016.10.029
15. Gross JJ. Handbook of Emotion Regulation, First Edition. New York: Guilford Press; 2011.
16. Otterpohl N, Wild E. Cross-lagged relations among parenting, children's emotion regulation, and psychosocial adjustment in early adolescence. J Clin Child Adolesc Psychol. 2015;44(1):93–108. doi: 10.1080/15374416.2013.862802
17. Morris AS, Silk JS, Steinberg L, Myers SS, Robinson LR. The role of the family context in the development of emotion regulation. Soc Dev. 2007;16(2):361–88. doi: 10.1111/j.1467-9507.2007.00389.x
18. Shiferaw G, Bacha L, Tsegaye D. Prevalence of depression and its associated factors among orphan children in orphanages in Ilu Abba Bor Zone, South West Ethiopia. Psychiatry Journal. 2018; 6865085. doi: 10.1155/2018/6865085
19. McCall RB, Groark CJ, Hawk BN, Julian MM, Merz EC, Rosas JM, et al. Early caregiver-child interaction and children's development: Lessons from the St. Petersburg-USA Orphanage Intervention Research Project. Clin Child Fam Psychol Rev. 2019;22(2):208–24. doi: 10.1007/s10567-018-0270-9
20. Orme JG, Buehler C. Foster family characteristics and behavioral and emotional problems of foster children: A narrative review. Family Relations. 2001;50(1):3–15.
21. Ibrahim A, El-Bilsha MA, El-Gilany AH. Prevalence and predictors of maladaptive cognitive schema among orphans in dakahlia governorate orphanages, Egypt. Middle East Journal of Psychiatry and Alzheimers. 2012;84(236):1–11.
22. Raven J. Raven Progressive Matrices. In: McCallum RS. Handbook of Nonverbal Assessment. Boston: Springer; 2003. pp: 223–37. doi: 10.1007/978-1-4615-0153-4_11
23. Poorfereydoni F, Karami A, Farrokhi NA. Objective: Standardizing the Claasic intlligence scale among Tehranian high school students populaion. Educational Psychology. 2007;3(10):97. [Persian] http://journals.atu.ac.ir/article_2120_0e706374faf9b93c22a7152a070c6d7c.pdf
24. Ahi Gh, Mohammadifar MA, Besharat MA. Reliability and validity of Young's schema questionnaire-short form. Journal of Psychology And Education. 2007;37(3):5–20. [Persian]
25. Lotfi R, Donyavi V, Khosravi Z. Comparison of early maladaptive schemas between personality disorder (cluster b) and normal subjects. Quarterly Annals of Military And Health Sciences Research. 2007;5(218):1261–6. [Persian] https://www.sid.ir/FileServer/JF/69513861815.pdf
26. Wells A, Cartwright-Hatton S. A short form of the metacognitions questionnaire: Properties of the MCQ-30. Behav Res Ther. 2004;42(4):385–96. doi: 10.1016/S0005-7967(03)00147-5
27. Shirinzadeh Dastgiri S, Goudarzi MA, Rahimi Ch, Naziri Gh. Study of factor structure, validity and reliability of metacognition questionnaire-30. Journal of Psychology. 2009;12(148):445–61. [Persian]
28. Garnefski N, Kraaij V, Spinhoven P. Negative life events, cognitive emotion regulation and emotional problems. Personality and Individual Differences. 2001;30(8):1311–27. doi: 10.1016/S0191-8869(00)00113-6
29. Aminabadi Z, Dehghan M, Khodapanah MK. Factor structure and validation of the Cognitive Emotion

[Downloaded from jdisabilstud.org on 2026-09-09]

[DOR: 20.1001.1.23222840.1398.9.0.89.1]

Regulation Questionnaire. International Journal of Behavioral Sciences. 2012;5(4):365–71. [Persian] http://www.behavsci.ir/article_67755_959bba56ec4b0f32baf75afdd7366eab.pdf
30. Cecero JJ, Nelson JD, Gillie JM. Tools and tenets of schema therapy: toward the construct validity of the early maladaptive schema questionnaire–research version (EMSQ-R). Clinical Psychology & Psychotherapy. 2004;11(5):344–57. doi: 10.1002/cpp.401
31. Gallagher B, Cartwright-Hatton S. The relationship between parenting factors and trait anxiety: mediating role of cognitive errors and metacognition. J Anxiety Disord. 2008;22(4):722–33. doi: 10.1016/j.janxdis.2007.07.006
32. Myers SG, Wells A. Early trauma, negative affect, and anxious attachment: the role of metacognition. Anxiety Stress Coping. 2015;28(6):634–49. doi: 10.1080/10615806.2015.1009832
33. Behadouri MH, Jahan-Bakhsh M, Kajbaf MB, Faramarzi S. The effectiveness of meta-cognitive therapy on meta-cognitive beliefs and cognitive trust in patients with social phobia disorder. Journal of Clinical Psychology. 2012;4(1):33–41. doi: 10.22075/JCP.2017.2077
34. Kaur S, Rani C. Exploring psychological health of orphan adolescents: A comparative analysis. International Journal of English Language, Literature and Humanities. 2015;3(4):27–47
35. Dorsey S, Lucid L, Murray L, Bolton P, Itemba D, Manongi R, et al. A Qualitative Study of Mental Health Problems Among Orphaned Children and Adolescents in Tanzania. J Nerv Ment Dis. 2015;203(11):864–70. doi: 10.1097/NMD.0000000000000388

[Downloaded from jdisabilstud.org on 2026-09-09]

[DOR: 20.1001.1.23222840.1398.9.0.89.1]